

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ نومبر ۲۰۲۲

## تف سربالای "امیر خان متقی"!

سه شنبه - ۱۰ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: امروز "امیر خان متقی" سرپرست وزارت خارجه نظام ملاسالار در مراسمی که به مناسبت رونمایی از لباس افراد استخبارات طالبان برگزار شده بود، گفت: "کسانی که در خارج زندگی می کنند و تنظیم های سیاسی قرار است که بسازند به خاطر پول و غلامی دیگران است". از آنجائی که در این حکم "امیر خان متقی" گوشه هائی از یک واقعیت تلخ وجود دارد، در یادداشت امروز این حکم را اندکی باز می نمایم:

۱- نخستین ارزش این حکم "امیر خان متقی" در آن است که حکم بر اساس تجارب مستقیم خودش و نهادی که از آن نمایندگی می کند حاصل شده است. یعنی "متقی" برای صدور چنین حکمی و خط بطلان کشیدن بر تمام نهاد هائی که در خارج از افغانستان به وجود آمده اند و همه را "غلام" معرفی کردن، نه به کدام کتاب و یا مجله ای مراجعه نموده و نه هم از زبان کدام فرد دیگری آن را شنیده است بلکه تجارب مستقیم زندگی خودش و بقیه اعضای رهبری طالب و قبل از آن بقیه سران جهادی را در پاکستان دیده و چنین حکمی را صادر نموده است. او به چشم خود دیده است و با پوست و گوشت خود احساس نموده است که چگونه تمام این نهاد ها در پاکستان از "گلبدین و ربانی" گرفته تا "ملا عمر و ملا هیبت الله" و چوکره های درجه دو و درجه سه آنها، قلاده بردگی و غلامی "آی. اس. آی." را برگردن داشتند. او شخصاً تجربه نموده است که چگونه یک افسر پائین رتبه "آی. اس. آی." عمداً و به منظور توهین و زهر چشم گرفتن، رهبران این تنظیم ها را ساعت ها در رهرو منتظر نگه داشته، تا فراموش نکنند که غلام و برده اند و حق اعتراض ندارند.

بناءً من این حکم "امیرخان متقی" را نوعی اعتراف به نوکری و غلامی خودشان نیز دانسته، شجاعتش را به اعتراف چنین امری تحسین می نمایم. امیدوارم حال که به کردار زشت و وطنفروشانه اش اعتراف نموده، به محتوای حرف هایش روشنی بیشتر ببخشد تا همه جوانب این بردگی آشکار بگردد.

۲- در آغاز نوشتیم که این حکم "امیر خان متقی" گوشه هائی از یک حقیقت تلخ و دردناک را بیان می دارد، نه تمام حقیقت را، زیرا:

ما می دانیم که نهاد ها اعم از سازمانها، جبهه ها، اتحادیه ها، احزاب و بقیه انواع تشکل ها وقتی توسط عده ای پنهانده در یک کشور دیگر به وجود می آید، کلاً دارای دو خط مشی متضاد می توانند باشند، یکی با تکیه بر کمکهای کشور های میزبان و دیگری کاملاً مستقل و متکی به نیروی خود.

طبیعی است که این دو نوع نهاد بر مبنای علایق و روابط شان با کشور میزبان ماهیتاً نمی توانند یک سان باشند. آنچه آنها را از هم متمایز و حتا در تقابل با یک دیگر قرار می دهد، طرز دید و رابطه آنها با کشور میزبان است. آن احزاب و نهاد هائی که با تکیه بر کمک های مادی تکنیکی و مالی سیاسی کشور میزبان عرض وجود می نمایند و کار های شان را بر همان منوال پیش می برند چه بخواهند و چه نخواهند حتا در صورت مخالفت صفوف و افراد با وجدان شان، ناگزیر اند سیاست ها و عملکردهای شان را مطابق با خواست، اهداف و سیاست های کشور میزبان عیار بسازند. در واقع همان نوکر خان می گردند که کشور خودشان برای آنها حیثیت بانجان را می یابد. آنها در همه حال مکلف اند نه تنها در گفتار بلکه در کردار نیز همان چیزی را نشخوار نمایند و عملی سازند که بادران شان دستور انجام آن را داده اند.

برجسته ترین نمونه این نوع احزاب، سازمانها و نهاد ها، جهاد یهائی ساخت پاکستان و ایران و طالب می باشد. چنانچه تجربه ثابت ساخته است که برای آنها نه افغانستان کدام ارزشی داشته و نه منافع ملی و امنیت مردم آن. این احزاب از همان نخستین روز های ایجاد مطابق با برنامه های بادران شان یعنی "آی. اس. آی" و "سپاه پاسداران" عمل نموده، برای افغانستان نه کدام مکتبی را آباد گذاشتند و نه هم پل و پلچکی را؛ در عین حال ضمن نوکری برای روسها و بعد تر امریکائی ها از کشته های هموطنان ما پشته ها ساختند.

و اما آن نهاد ها و احزابی که در امتداد تشکلات شان در داخل کشور، حین پنهانگی می خواهند در خارج کشور نیز با تکیه به نیروی خود، مستقلانه و بدون کمترین چشمداشتی از کشور و یا کشور های میزبان شاخه های خارج کشوری تشکلات شان را در کمال پنهانکاری و احتیاط بنیان می گذارند و هیچ نوع روابطی با کشور میزبان ندارند و حتا تهدید جانی کشور میزبان را نیز بر شانه های احساس می نمایند، طبیعی است که هیچ نیازی هم به تبعیت از کشور میزبان و انداختن حلقه بردگی آن بر گردنش را نیز ندارند. آنها آزاد به دنیا می آیند، آزاد زندگانی می نمایند و در آزادی و آزادگی چشم از جهان می پوشند.

هموطنان گرامی!

این را باید بدانیم وقتی عناصر استخباراتی خیره ای چون "امیر خان متقی" چنان حکمی را صادر می نمایند، آنها آگاهانه می خواهند کلیت و انواع جنبش را یک سان ساخته، همه را غلام و نوکر معرفی بدارند تا توده های میلیونی کشور خود را در یک خلأ اعتماد احساس نموده، به دنبال جنایتکاران وطنفروشی از قماش طالب و بقیه جهادی ها روان بگردند.

در چنین حالتی بر ماست تا با چشم باز زندگانی نموده، تمام نیرو هائی را که ادعای خدمت به افغانستان را می نمایند، در نخستین گام بر مبنای چگونگی روابط شان با کشور های میزبان ارزیابی نمائیم در غیر آن چه بسا به مانند توده های بی خبر از همه جا گوشت دم توپ استعمار و ارتجاع و ننگ تاریخ فردای کشور نیز بگردیم.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**